

**بخشی از سخنان جناب آقای محمودرضا بیژنی اول در همایش نخبگان و
فرهیختگان قرآنی سال ۱۳۹۴ معاونت قرآنی و عترت وزارت ارشاد اسلامی:
بسم الله الرحمن و الرحيم**

....

چون موضوع جلسه در رابطه با بررسی مشکلات جامعه قرآنی و ارائه راهکارهای بهینه سازی آنها و جذب حداکثری مشتاقان به کلام وحی میباشد، لذا با توجه به ضیق وقت و محدودیت های موجود صرفا به برخی کلیات که میتوانند مورد مذاقه و تامل قرار گرفته و به سایر پیشنهادات ارائه شده این دو روز اضافه شوند، خدمتتان مطرح می کنم.

همچنانکه همه میدانیم و بعضا نیز اشاراتی شد ما به نحو مطلوب از روش های آموزشی و پرورشی برای جامعه قرآنی استفاده نکرده ایم، به خصوص در دو دهه اخیر به صورت نظام مند و با روش های علمی پیش نرفته ایم. تلاوت قرآن که مقدمه ای برای عمل به آیات الهی است، به زعم اینجانب هم علم، هم فن و هم هنر است و ما بیشتر برای جامعه قرآنی حاضر، به بخش های فنی و هنری آن پرداخته ایم تا مباحث علمی و تربیتی آن، که عمل به آیات را بیش از پیش محقق می نماید، و بدین جهت امروزه توجه به مراتب ظاهری و برتری جویی در آشفته بازار رقابت در مسابقات مختلف قرآنی که متولیان متعدد و ناهماهنگی دارند از توجه به بخش باطنی و معنوی آیات الهی پیشی گرفته است و علاوه بر افزایش نابسامانی ها و نوع توقعات و انتظارات، جامعه قرآنی را از وظیفه، رسالت و اهداف اصلی خود دور کرده است.

با این روند همچنانکه شاهد هستیم قاطبه نخبگان جامعه قرآنی ما دچار تحلیل رفتگی (به معنی فرسوده و خسته) شده اند و با وجود تلاش های مکرر، نتیجه ای که مورد انتظار است و باید باشد حاصل نشده و در صورت ادامه به این روند بعید است که منتج به نتیجه گردد، چرا که معمولاً تحلیل رفتگی باعث انزوای عاطفی و جسمانی و ترک هدف و مسیر اصلی شده و نتیجه ی آن کاهش تعهد، عدم رضایت، تضعیف روحیه، عواطف و احساسات است.

از راهکارهای مهم برون رفت و رهایی از این تحلیل رفتگی، برنامه ریزی و حمایت با تدبیر سازمانها و نهادهای مرتبط (به ویژه متولی مرکزی و واحد) در شناسایی، توجه و جلب مشارکت حداکثری کلیه نخبگان ذیربط، به ویژه اساتید با دانش و تجربه این عرصه می باشد، که موجبات توسعه ی ارتباطات و افزایش فعالیت افراد صاحب نظر را در بر داشته و با این امر ضمن ارج نهادن به ایشان، اندوخته سال ها زحمت، مطالعه و تجربیات آنان را در گسترش و اشاعه فرهنگ قرآنی و جذب مشتاقان وحی به خدمت گرفته و به تدریج ریشه اهداف مورد نظر را احیا و عمیقتر نموده و به ارمغان خواهیم آورد.

از آنجاییکه تعریف مسئله یا مشکل عبارتست از فاصله ی وضع موجود با وضع مطلوب، لذا لازم است ضمن شناسایی وضع موجود، وضع مطلوب را نیز تبیین نموده و در رسیدن به آن مرحله با حضور متخصصان و نخبگان امر برنامه ریزی و حرکت نمود و متأسفانه این اتفاق در حد معمول آن هم بیشتر برای مسابقات و در حد ظواهر و به صورت نظری و سلیقه ای و برای گروه و سطح خاصی از افراد صورت گرفته است. فلذا امروزه به نظر ضروریست تا وزارت محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی که متولی این برنامه است و درصدد بهینه نمودن رویه ها و فرایندها میباشد و حتی کلیه نهادها، سازمان ها و ارگان های مربوطه، برای جذب حداکثری

مشتاقان کلام وحی نسبت به گذشته آگاهانه تر عمل نموده و فقط برای یک گروه و سطح خاص کار نکنند. در وهله اول برنامه ریزی باید به گونه ای باشد تا شناسایی و برنامه ریزی برای گروه های متعدد فراگیران اعم افراد عامه، گروه آگاهان، گروه متخصصان و گروه نخبگان در سطح فردی، گروهی، سازمانی، ملی و حتی بین الملل به تفکیک تهیه شود و همه افراد را الزاما تحت پوشش یک یا چند برنامه محدود قرآنی قرار ندهیم، و برنامه های خرد و کلان را با این رویکرد و اهداف و رسالت واقعی مد نظر پیش بینی کنیم. در این راستا و در جهت سازماندهی و نظام مند نمودن فعالیت های اثربخش حوزه پر برکت قرآن کریم به نظر می آید اولین مشکل اساسی در حال حاضر عدم وجود یک مرکز و تشکیلات اصلی قرآنی در کشور است. واقعا امروزه چه ارگانی متولی و پاسخگو است؟ خط قرمزها را چه مرجعی تعیین می کند؟ و ...؟ پس در ابتدا تعیین موازین و چارچوب های اساسی و علمی با ایجاد مرکز و متولی واحد، و نیز تعریف استانداردها و اصول کلی، لازم و ضروری است تا به تدریج سایر موازین بر آن اساس احصاء، تنظیم و مدون گردد.

اقدام بعدی تغییر نگرش افراد اعم از مسئولین، نخبگان و سایر مشتاقان است، و بهترین شکل برای تغییر نگرش صرفا با افزایش علم و دانش اتفاق می افتد. و از راهکارهای موثر آن برنامه ریزی و الزام نخبگان جامعه قرآنی بویژه قاریان و حافظان قرآن است که موظف به ارائه مقالات علمی و تالیفات موردی و ... شوند و به مرور نیز محقق علوم قرآنی گردند. (در واقع عالمیت توام با علم برای عمل به فرامین الهی و دستورات قرآن).

از طرفی میتوان اذعان نمود حداقل بخش اعظمی از مشکلات امروز نخبگان قرآنی فقط با "برنامه ریزی برای توجه و تکریم اساتید برجسته ی قرآن کریم و بهره مندی بیش از پیش از

تجربیات و اندوخته های ایشان و جلسات آنان" با ابلاغ موازین و اصول کلی به این عزیزان و طرح موضوعات از سوی ایشان در جلسات خود (همچون رویکرد برنامه نماز ائمه معزز جمعه و جماعات) قابل حل می باشد، لیکن جای استفاده از این فضا و پتانسیل بالقوه، کاملاً خالی است. از دیگر مشکلات امروزه، متأسفانه سطحی و کمی نگری برنامه ها و چشم انداز ماست که جای عمقی و کیفی نگری را گرفته است. این گونه عمل کردن به نوعی موجب انحصاری شدن فعالیت های قرآنی در اختیار تعداد معدودی گردیده و از آسیب های جدی امروز جامعه قرآنی است که موجب تحلیل رفتگی و حذف سایر نخبگان و هرگونه نوآوری و خلاقیت شده، لذا ضروریست تا انحصارزدایی اینگونه مسائل نیز به جدیت صورت پذیرد.

ما بعضاً اهدافی را تعریف و ابلاغ می کنیم که تاثیر چندانی بر جامعه قرآنی ندارد و صرفاً رفع تکلیف و انجام یک کار تشکیلاتی است در صورتی که ما میتوانیم به جای آنها مراتب را به صورت ریشه ای تر برنامه ریزی نموده و از تاثیرات آن جامعه را هدایت و سیراب نماییم. مثلاً استفاده از انرژی و پتانسیل های بالقوه موجود که به سرعت بالفعل شده و موجبات هم افزایی و رشد و شکوفایی بیش از پیش را به ارمغان می آورد. به عنوان مثال ما تلاش و هزینه های زیادی صرف حفظ قرآن نموده ایم که البته کار پسندیده و ارزشمندی است منتها چنانچه موازی یا مجزای از آن برای متخصصان و نخبگان قرآنی برنامه ریزی می شد ما می توانستیم تعداد زیادی از قاریان را که سال ها با قرآن موانست دارند و آمادگی کاملی برای حفظ دارند ظرف یک تا ششماه حافظ کل قرآن نموده و از طریق ایشان که اغلب جلسه دارند اعضای جلسه ایشان را حافظ قرآن می نمودیم و بدین ترتیب ضمن افزایش آمار واقعی حفاظ موضوع حفظ را نهادینه نموده و به تدریج جز فرهنگ قرآنی کشور قرار می گرفت. این امر صرفاً با برنامه

ریزی و حمایت عملی و بودجه ای بسیار کمتر از آنچه تبلیغات شده و مسابقات برگزار می‌گردد، قابل اجراست.

از دیگر مسائل مهم لزوم آموزش و پرورش قاریان و بچه‌های قرآنی به آموختن سایر علوم موازی و مورد نیاز، هم برای ارتقا دانش و تغییر نگرش و هم برای فهم بیشتر آیات الهی و اشاعه آن که منتج به عمل به آیات الهی خواهد شد، می باشد. از جمله این موارد آموختن دانش و زبان عربی است. این لازمه کار است که بفهمیم چه می‌خوانیم، بفهمیم و با حس اجرا کنیم از طرفی اگر با دل خوانده شود، تاثیر گذارتر خواهد بود و...

از دیگر پیشنهادات و بستر سازی ها در این امر این است، زمانی که قاریان مصری به ایران تشریف می‌آورند تلاش شود تا نخبگان و حرفه ای های ایشان را دو سالی مقیم نموده و قاریان قرآن را که سفیران بی بدیل و موثر جامعه ما میتوانند باشند به صورت حرفه ای پرورش دهیم و به تدریج اندوخته های صحیح و اصولی این نسل به نسل های بعدی منتقل گردد. بدیهی است با آموزش و پرورش چنین نخبگانی، تاثیر و نفوذ بسیار زیادی در نسل جوان و آینده کشور و سایر مشتاقان کلام وحی در کشورهای مختلف جهان به دست خواهیم آورد که قطعاً کمتر از یک سفیر سیاسی و رایزن فرهنگی نخواهد بود و چه بسا موثرتر هم باشند، لذا نباید از اساتید و نخبگان غافل شد، و به وادی فراموشی سپرد و فقط هرز چند گاهی در برخی مراسم و مواضع از ایشان دعوت به عمل آورد. به عبارتی به ازای اینکه به درختان خشک و بی ثمر (فعالیت های نامنظم و نمایشی و ظاهر مآب) گل بچسبانیم و نمای ظاهری برای آنها درست کنیم، بهتر است تا به آنها آب دهیم تا خود بارور و پرثمر و اثر شوند (اساتید و نخبگان و متخصصان قرآنی) و

موجبات رشد و شکوفایی خود را فراهم نمایند و به تدریج کل جامعه را از جمال و عطر و دانش خود بهره مند سازند.

در پیشنهادات ارائه شده در این جلسه، دوست عزیزی به ایجاد آموزش‌های الکترونیک اشاره کردند و قطعاً با توجه به شرایط امروز جامعه و استعدادهای بی‌بدیل فراوان و از طرفی محرومیت بسیاری از مناطق ما از حیث راهنمایان حاذق و اساتید برجسته، ما خیلی کارها را میتوانیم از طریق آموزش‌های مجازی، مدون و اجرا نموده و موجبات جذب و ارتقا دانش مشتاقان قرآن کریم را در فراگیری کلام وحی و سایر علوم قرآنی موجب گردیم.

امید است این موارد مهم و اساسی بیش از پیش در دستور کار عزیزان بوده و اینجانب نیز با توجه به تجربیات و اندوخته‌های ناچیز خود که معتقدم تمام موارد پیش گفته را به راحتی میتوان برنامه ریزی و اجرا نمود، آمادگی خود را برای هرگونه همکاری عملی و پیاده سازی آن اعلام می‌نمایم.

در پایان یادآور می‌شود هر چند نکات و صحبت‌های زیادی باقی ماند، و هرچند این موارد باید صرفاً در عمل اجرا شوند و متناسب با آن و نتایج حاصله ادامه مسیر را شناسایی و اقدام نمود، فلذا با توجه به کمبود وقت به همین مقدار بسنده نموده و به طور خلاصه کلیاتی از مطالب مطروحه خود را بدین شرح جمع‌بندی و اعلام می‌نمایم:

۱- لزوم ایجاد مرکز واحد جهت یکپارچه سازی و تعیین استراتژی و سیاست‌های راهبردی برای ساماندهی کلیه فعالیت‌های قرآنی.

۲- تعریف اصول و مولفه های اصلی و استانداردهای مربوطه و نیز تعیین خطوط قرمز با الگو برداری های علمی و صحیح (نه نظرات ذهنی و سلیقه ای افراد خاص).

۳- لزوم تغییر نگرش اهالی حرفه ای قرآن کریم با افزایش دانش و تاکید بر انجام تحقیقات علمی و پژوهشی از سوی ایشان.

۴- توجه به اساتید و پیشکسوتان قرآنی و لزوم برنامه ریزی جهت مشارکت حداکثری این عزیزان در آموزش و پرورش مشتاقان و نخبگان قرآنی.

۵- استفاده بهینه از ظرفیت های بالقوه موجود و به بالفعل رساندن آن برای تسریع و تسهیل در تحقق و حصول اهداف ترسیمی که خود موجبات رشد سریعتر و اشاعه فرهنگ قرآنی را فراهم نموده و به همراه خواهد داشت.

۶- توأم با آموزش تاکید بر پرورش و تربیت مشتاقان قرآنی (نه فقط آموزش صرف).

۷- تاکید بر ارشادی بودن آموزش ها (نه صرفا نگاه نقادانه و کمی) بلکه توجه به جذابیت و کیفیت آموزش ها که منجر به پرورش افراد شده و موجبات عملی نمودن آیات قرآن کریم را به ارمغان می آورد.

۸- درخواست از مسئولان قرآنی که علاوه بر توجه عملی به آیات الهی و برخورد ارزشمند با مخاطبان و نخبگان قرآنی، مستعین ارزنده ای برای جامعه قرآنی بوده و به اساتید و نخبگان و متخصصان قرآنی به عنوان امین و مشاوران دلسوز خود نگاه کنند و از ایشان در راستای ارتقا عملکرد و رسالت و وظیفه سازمانی خود استفاده نمایند.

با آرزوی سلامتی و بهروزی برای تک تک قرآنیان گرامی از توجه و استماع به سخنان

اینجانب صمیمانه تقدیر و تشکر می نمایم. **"والسلام علی من اتبع الهدی"**

